

فهرست مطالب

سخنی با خواننده.....	۱۵
مقدمه.....	۱۹

فصل اول: مفاهیم و کلیات

مبحث اول: مفاهیم.....	۲۷
۱. سازمان‌های بین‌المللی.....	۲۷
۲. حقوق سازمان‌ها.....	۳۱
۳. فقه سیاسی.....	۳۳
۴. قواعد فقهی.....	۳۴
مبحث دوم: کلیات.....	۳۶
۱. مباحث شکلی و ساختاری سازمان‌ها.....	۳۶
الف) عوامل ایجاد سازمان‌های بین‌المللی و عضویت در آنها.....	۳۶
۱- تسهیل ارتباطات میان کشورها.....	۳۷
۲- تجمیع سرمایه و امکانات.....	۳۷
۳- تضمین بین‌المللی.....	۳۸

- ۴- تنظیم مقررات بین‌المللی..... ۳۹
- ۵- میانجیگری در حل اختلافات..... ۳۹
- ۶- ایجاد نظم بین‌المللی کشورها و نظارت بر آن..... ۴۰
- ۷- تأسیس نهادهای بین‌المللی برای مشورت..... ۴۱
- ۸- تصمیم جمعی در خصوص موضوعات جهانی..... ۴۱
- (ب) اهداف سازمان‌ها..... ۴۲
- ۱- همکاری و همبستگی بین‌المللی..... ۴۳
- ۲- هماهنگی رفتارها در عرصه بین‌المللی..... ۴۵
- ۳- همفکری در موضوعات جهانی..... ۴۶
- (ج) اهداف سازمان‌ها با رویکرد دینی..... ۴۸
- ۱- همکاری و همبستگی دینی..... ۴۹
- ۲- هماهنگی رفتارها در جهان اسلام..... ۵۱
- ۳- همگرایی دینی در موضوعات جهانی..... ۵۲
- (د) کارکردهای سازمان‌های بین‌المللی..... ۵۳
- ۱- تقسیم به لحاظ نظر و عمل..... ۵۳
- ۲- تقسیم به لحاظ نوع کارکرد..... ۵۷
- (ه) ساختار سازمان‌های بین‌المللی..... ۵۸
- ۱- تأسیس سازمان‌های بین‌المللی و عضویت در آنها..... ۵۸
- ۲- انحلال و اختتام سازمان‌های بین‌المللی..... ۶۱
- ۳- ارکان سازمان‌های بین‌المللی..... ۶۳
- (و) طبقه‌بندی سازمان‌های بین‌المللی..... ۶۴
- ۱- بر مبنای موقعیت جغرافیایی..... ۶۴

فهرست مطالب ۷

۶۵	۲- بر مبنای گستره شمول (عضویت).....
۶۶	۳- بر مبنای هدف.....
۶۷	۴- بر مبنای اختیارات.....
۶۸	۵- بر مبنای وابستگی و عدم وابستگی به دولت‌ها.....
۷۰	ز) سازمان‌های غیر دولتی.....
۷۰	۱- تعریف.....
۷۱	۲- اهداف.....
۷۳	۳- شخصیت حقوقی سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی.....
۷۴	۴- نقش سازمان‌های غیر دولتی در جامعه جهانی.....
۷۷	۲. مباحث ماهوی سازمان‌ها.....
۷۷	الف) شخصیت حقوقی سازمان‌ها.....
۸۲	ب) صلاحیت سازمان‌ها.....
۸۴	۱- صلاحیت‌های بین‌المللی مشترک سازمان‌ها.....
۸۶	۲- صلاحیت داخلی.....
۸۸	۳- حدود صلاحیت سازمان‌ها.....
۹۲	ج) مزایا و مصونیت‌ها.....
۹۳	۱- منابع مصونیت‌ها و مزایا.....
۹۶	۲- فلسفه مصونیت.....
۹۷	۳- انواع مصونیت‌های سازمان‌های بین‌المللی.....
۹۸	د) فقه و سازمان‌های بین‌المللی.....
۱۰۰	جمع‌بندی فصل.....

فصل دوم: مبانی، مستندات و اصول حاکم بر سازمان‌ها

- مقدمه..... ۱۰۳
۱. مبانی حاکم بر سازمان‌های بین‌المللی (با نگاه دینی)..... ۱۰۴
- الف) عدالت..... ۱۰۴
- ب) دفاع از مظلوم و مقابله با ظالم..... ۱۰۸
- ج) وحدت و همبستگی مسلمانان..... ۱۱۲
- د) امنیت بین‌المللی..... ۱۱۸
۲. مستندات فقهی الحاق و تعامل با سازمان‌های بین‌المللی..... ۱۲۱
- الف) آیات قرآن..... ۱۲۱
- ب) روایات..... ۱۲۵
- ج) سیره پیامبر اکرم ﷺ..... ۱۲۷
- د) بنای عقلا..... ۱۲۹
۳. اصول حاکم بر تعاملات سازمان‌ها (با نگاه دینی)..... ۱۲۹
- الف) اصل همزیستی مسالمت‌آمیز (نفی توسل به زور)..... ۱۳۱
- ب) اصل انصاف و حسن نیت..... ۱۳۴
- ج) اصل نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری..... ۱۳۸
- د) عزتمندی..... ۱۴۲
- ه) اصل برابری دولت‌ها و احترام متقابل..... ۱۴۳
- و) اصل استقلال و تمامیت ارضی کشورها..... ۱۴۴
- جمع‌بندی فصل..... ۱۴۶

فصل سوم: سازمان‌های بین‌المللی از نگاه قواعد فقهی

۱. قواعد فقه سیاسی و شمول آنها در حوزه بین‌الملل..... ۱۴۷

۱۴۷	الف) قواعد سیاسی.....
۱۴۸	۱) قاعده ممنوعیت سلطه کافران.....
۱۵۰	۲) قاعده شورا.....
۱۵۲	۳) قاعده امر به معروف و نهی از منکر.....
۱۵۳	گستره قاعده.....
۱۵۵	۴) قاعده مساوات.....
۱۵۷	۵) قاعده مصلحت.....
۱۵۹	۶) قاعده حفظ نظام.....
۱۶۰	۷) قاعده دعوت.....
۱۶۳	۸) تالیف قلوب.....
۱۶۷	۹) اصل عدم ولایت.....
۱۶۹	۱۰) قاعده مصونیت سفیران.....
۱۷۱	ب) قواعد فقهی با کاربرد سیاسی.....
۱۷۱	۱) قاعده لزوم وفای به عقود.....
۱۷۵	۲) قاعده رجوع به خبره.....
۱۷۶	۳) قاعده تعاون بر خیر.....
۱۷۸	۴) قاعده ممنوعیت کمک به گناه و تجاوز (اعانه بر اثم و عدوان).....
۱۷۹	۵) قاعده لزوم ریشه‌کنی فساد.....
۱۸۰	۶) قاعده نفی عسر و حرج.....
۱۸۱	۷) قاعده الزام.....
۱۸۳	۸) قاعده حرمت شعایر.....
۱۸۵	۹) قاعده سوق المسلمین.....

- ۱۸۷ (۱۰) قاعدة لاضرر.....
- ۱۸۸ ۲. نقش قواعد فقهی در سازمان‌های بین‌المللی.....
- ۱۸۸ الف) انواع نقش‌های قواعد فقهی.....
- ۱۸۸ (۱) نقش مبنایی.....
- ۱۸۹ (۲) نقش مشروعیت‌بخشی.....
- ۱۸۹ (۳) نقش شکل‌دهی و ساختارسازی.....
- ۱۹۰ (۴) نقش هماهنگ‌کنندگی.....
- ۱۹۰ ب) نقش قواعد فقهی در تأسیس، الحاق و خروج از سازمان‌های بین‌المللی.....
- ۱۹۱ (۱) قواعد سیاسی.....
- ۱۹۱ ۱- قاعدة ممنوعیت سلطه کافران.....
- ۱۹۲ ۲- قاعدة شورا.....
- ۱۹۳ ۳- قاعدة امر به معروف و نهی از منکر.....
- ۱۹۴ ۴- قاعدة مساوات.....
- ۱۹۴ ۵- قاعدة مصلحت.....
- ۱۹۶ ۶- قاعدة حفظ نظام.....
- ۱۹۸ ۷- قاعدة دعوت.....
- ۲۰۰ ۸- قاعدة تألیف قلوب.....
- ۲۰۱ ۹- اصل عدم ولایت.....
- ۲۰۲ ۱۰- قاعدة مصونیت سفیران.....
- ۲۰۲ (۲) قواعد فقهی با کاربرد سیاسی.....
- ۲۰۲ ۱- قاعدة لزوم وفا به عقود.....
- ۲۰۳ ۲- قاعدة رجوع به خبره.....

فهرست مطالب ۱۱

- ۳- قاعدهٔ تعاون بر خیر..... ۲۰۴
- ۴- قاعدهٔ ممنوعیت کمک به گناه و تجاوز..... ۲۰۶
- ۵- قاعدهٔ لزوم ریشه‌کنی فساد..... ۲۰۸
- ۶- نفی عسر و حرج..... ۲۰۸
- ۷- قاعدهٔ الزام..... ۲۰۹
- ۸- قاعدهٔ حرمت شعایر..... ۲۱۰
- ۹- قاعدهٔ سوق‌المسلمین..... ۲۱۱
- ۱۰- قاعدهٔ لاضرر..... ۲۱۲
- ج) نقش قواعد فقهی در تعاملات سازمان‌های بین‌المللی..... ۲۱۳
- ۱) قواعد سیاسی..... ۲۱۴
- ۱- قاعدهٔ ممنوعیت سلطهٔ کافران..... ۲۱۴
- ۲- قاعدهٔ شورا..... ۲۱۶
- ۳- قاعدهٔ امر به معروف و نهی از منکر..... ۲۱۷
- ۴- قاعدهٔ مساوات..... ۲۱۸
- ۵- قاعدهٔ مصلحت..... ۲۱۹
- ۶- قاعدهٔ حفظ نظام..... ۲۲۱
- ۷- قاعدهٔ دعوت..... ۲۲۱
- ۸- قاعدهٔ تألیف قلوب..... ۲۲۳
- ۹- اصل عدم ولایت..... ۲۲۳
- ۱۰- قاعدهٔ مصونیت سفیران..... ۲۲۴
- ۲) قواعد فقهی با کاربرد سیاسی..... ۲۲۴
- ۱- قاعدهٔ لزوم وفا به عقود..... ۲۲۴

- ۲۲۴..... ۲- قاعده رجوع به خبره.
- ۲۲۵..... ۳- قاعده تعاون بر خیر.
- ۲۲۶..... ۴- قاعده ممنوعیت کمک به گناه و تجاوز.
- ۲۲۷..... ۵- قاعده لزوم ریشه‌کنی فساد.
- ۲۲۸..... ۶- قاعده نفی عسر و حرج.
- ۲۲۹..... ۷- قاعده الزام.
- ۲۲۹..... ۸- قاعده حرمت شعایر.
- ۲۳۰..... ۹- قاعده سوق‌المسلمین.
- ۲۳۱..... ۱۰- قاعده لا ضرر.
- ۲۳۲..... جمع‌بندی فصل.

فصل چهارم: موانع، آسیب‌ها

وراه حل‌های تعامل با سازمان‌های بین‌المللی

- ۲۳۳..... ۱. موانع و آسیب‌های تعامل کشور اسلامی با سازمان‌های بین‌المللی.
- ۲۳۴..... الف) موانع و آسیب‌های عمومی تعامل با سازمان‌های بین‌المللی.
- ۲۳۵..... (۱) موانع عمومی.
- ۲۳۷..... (۲) آسیب‌های عمومی.
- ۲۴۱..... ب) موانع و آسیب‌های الحاق کشور اسلامی به سازمان‌های بین‌المللی.
- ۲۴۲..... ۲. راه حل‌ها.
- ۲۴۲..... الف) روش‌های کاهش آسیب‌های عام.
- ۲۴۶..... ب) راه حل‌های کاهش آسیب‌ها نسبت به کشورهای اسلامی.
- ۲۵۰..... ج) مستندات پذیرش برخی محدودیت‌ها توسط دولت اسلامی.

جمع‌بندی فصل ۲۵۲

فصل پنجم: سازمان همکاری‌های اسلامی و مروری تطبیقی

۱. آشنایی با سازمان همکاری‌های اسلامی ۲۵۵

۲. تطبیق اهداف و اصول سازمان همکاری‌ها با اصول و قواعد فقهی ۲۵۷

الف) اهداف ۲۵۷

ب) اصول ۲۶۰

۳. پیشنهادهایی در راستای گسترش همکاری‌های اسلامی ۲۶۱

۴. متن منشور سازمان همکاری‌های اسلامی ۲۶۴

جمع‌بندی فصل ۲۷۱

نتیجه ۲۷۳

کتابنامه ۲۷۷

نمایه‌ها

آیات ۲۹۱

روایات ۲۹۵

موضوعات ۲۹۷

اعلام و مشاهیر ۳۲۱

مکان‌ها ۳۲۳

تئالگان ۳۲۴

سخنی با خواننده

پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی نویدبخش حضور فعال دین در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی بود. این ایده در سطح ملی، ترسیم‌کننده هویت دینی - ملی و حیات سیاسی - اجتماعی ایرانیان و در سطح فراملی تبیین‌کننده ضرورت بازسازی تمدن اسلامی و اعاده هویت و عزت به مسلمانان در دوران معاصر بود. ترسیم هویت دینی - ملی و تلاش برای بازسازی تمدن اسلامی، پرسش‌ها و معضلاتی جدید را در دو سطح یادشده پدید آورد که تا کنون منابع دینی و دینداران در عرصه علوم و مراکز علمی به طور جدی با آن روبرو نشده بودند. بی‌گمان پاسخگویی به این پرسش‌ها و معضلات نیازمند بازنگری در مبانی و پیش‌حاکم بر علوم رایج انسانی و اجتماعی در کنار بازگشتی روشمند و نقادانه به سنت فکری است. این بازنگری ضمن فراهم کردن زمینه‌های لازم برای بهره‌گیری از توانمندی‌های سنت و دانش سنتی، امکان استفاده از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های علوم جدید در دوران معاصر را به ارمغان می‌آورد؛ بنابراین وظایف مراکز علمی و پژوهشی در جمهوری اسلامی بسیار سنگین است. این مراکز از سویی، رسالت پاسخگویی به پرسش‌ها و معضلات فکری را بر عهده دارند و از سوی دیگر باید به فرهنگ‌سازی و تولید فکر و اندیشه به عنوان عناصر و لوازم اصلی احیای تمدن اسلامی اولویت دهند.

پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی نیز با تلاش در جهت پاسخگویی به پرسش‌ها و معضلات فکری مربوط به حوزه پژوهشی خود و فراهم کردن زمینه‌های لازم برای بازتولید فرهنگ سیاسی - دینی و عرضه دانش سیاسی مبتنی بر منابع اسلامی، هویت‌شناسی و هویت‌سازی در زمینه‌های فلسفه سیاسی، فقه سیاسی و علوم سیاسی را به عنوان مهم‌ترین هدف خود دنبال می‌کند. این پژوهشکده با فراهم کردن زمینه‌های رشد نیروی انسانی در عرصه پژوهش‌های سیاسی با رویکردهای فلسفی، فقهی و علمی می‌کوشد در راستای عزم و اراده ملی برای احیای تمدن اسلامی گام بردارد.

اثر حاضر محصول تلاش فکری پژوهشگر فرهیخته حجت‌الاسلام و المسلمین آقای روح‌الله شریعتی اردستانی با هدف ارتقای دانش فقه سیاسی به‌ویژه در عرصه فقه بین‌الملل و آشنایی سیاست‌گذاران، قانونگذاران، کارگزاران دستگاه دیپلماسی و عموم کارگزاران نظام اسلامی با مبانی دینی این حوزه و کاربرت درست و مطلوب آنها در مقررات، قوانین و رفتار کارگزاران در خصوص پیوستن یا نپیوستن به سازمان‌های بین‌المللی است.

بی‌گمان اجرای این پژوهش و غنای علمی آن مدیون تلاش‌های ارزنده حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر منصور میراحمدی مدیر محترم سابق پژوهشکده، حجت‌الاسلام و المسلمین سیدسجاد ایزدهی مدیر محترم گروه، حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر مصطفی میرمحمدی ناظر محترم، حجت‌الاسلام و المسلمین قاسم شبان‌نیا و دکتر علیرضا نائیج ارزیابان محترم، دکتر محمود فلاح مدیر محترم اداره امور پژوهشی و مجید اکبریان گرمجی و حجت‌الاسلام سیدمحمدباقر حججی کارشناسان محترم گروه است که جای دارد از زحمات و تلاش‌های آنان قدردانی شود.

همچنین از رئیس محترم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر نجف لکزایی که بدون حمایت و مساعدت‌های بی‌دریغ و مؤثر ایشان، پژوهش حاضر به سرانجام نمی‌رسید و نشر پژوهشگاه که عهده‌دار آماده‌سازی، چاپ و نشر اثر حاضر بوده است، سپاسگزاری می‌کنم.

پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی در راستای حیات و بالندگی علم و دانش، آثار خود را در اختیار جامعه علمی قرار می‌دهد و پیشاپیش از انتقادهای پیشنهاد‌های علمی همه استادان، صاحب‌نظران و پژوهشگران محترم استقبال می‌کند. امید است این فعالیت‌های علمی موجبات رشد و پویایی فرهنگ سیاسی - دینی و زمینه‌های گسترش اندیشه سیاسی اسلام را فراهم کند.

مختار شیخ حسینی

مدیر پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

مقدمه

قرن بیستم میلادی را می‌توان قرن سازمان‌های بین‌المللی نامید؛ چراکه کشورها به تأسیس سازمان‌های بین‌المللی روی آوردند و سازمان‌های زیادی تأسیس کردند. درباره علل روی‌آوری دولت‌ها به تأسیس سازمان‌های بین‌المللی نکات بسیاری می‌توان گفت. شاید یکی از علل اصلی آن انقلاب صنعتی و انفجار علمی در جهان بود که سبب پیشرفت‌های سریع برخی کشورها و وابستگی بسیاری از دولت‌ها به یکدیگر و در نتیجه تأسیس سازمان‌ها شد.

تعاملات روزافزون میان کشورها و نهادهای بین‌المللی نیاز به ابداع قواعدی مشترک و لازم‌الاجرای بین‌المللی را برای ساماندهی و تسهیل ارتباطات فی‌مابین لازم و ضروری می‌کند. این نیاز از گذشته‌های دور بر پایه عرف‌ها و قراردادهای دوجانبه پاسخ داده می‌شد و پس از ایجاد مرزها به معنای امروزی و استقلال کشورها و در پی آن تشدید تعاملات میان آنها، حاکمان را به انعقاد معاهداتی چندجانبه و ابداع قواعدی مشترک سوق داد؛ ولی نبود قواعد و قراردادهای فراگیر سبب بروز اختلافات و تنش‌هایی بین کشورها می‌شد. این امر حاکمان را به فکر یکسان‌سازی معاهدات و ایجاد معاهدات همه‌جانبه جمعی و تشکیل اتحادیه‌ها انداخت. این امر نیز به دلایلی مانند شخصیت حقوقی مستقل نداشتن این نهادها، استقلال نداشتن در تصمیم‌گیری، تداوم نداشتن فعالیت و نبود ضمانت اجرا و در نتیجه تنظیم مناسبات بر اساس قدرت و منافع اعضا چندان مورد استقبال قرار

نگرفت. این امر کشورها را بر آن داشت تا با توجه به اهداف عالیّه مشترک و ضرورت ارتباطات و تعاملات فی‌مابین در صحنه بین‌المللی به فکر ایجاد نهادهایی مستقل از کشورهای عضو بیفتند که با اهداف و سازماندهی مشخص، شخصیت بین‌المللی مستقل، فعالیت مستمر و مداوم و ضمانت اجرایی بیش از اتحادیه و معاهدات چندجانبه بتواند بر روابط بین‌المللی اعضا حاکم باشد. در این راستا سازمان‌های بین‌المللی ایجاد شد. این سازمان‌ها با دارا بودن شخصیت حقوقی مستقل، مقرراتی مشترک، لازم‌الاجرا و هدفمند در صحنه جهانی ایجاد کرده و در راستای تعاملات مثبت کشورها، گام‌های بزرگی برداشته‌اند.

به گفتهٔ برخی حقوقدانان «انقلابات علمی و صنعتی ... سبب توسعه و پیشرفت عظیمی در عرصه‌های مختلف فعالیت بشری از جمله تکنولوژی، حمل و نقل، ارتباطات، مبادلات و... شد و نیازهای جدیدی را به وجود آورد که دولت‌ها خود به‌تنهایی قادر به پاسخگویی به آنها نبودند. علاوه بر اینکه این نیازها همراه با منافع مشترک مانند صلح و امنیت جهانی، توسعه، دموکراسی، حفظ محیط زیست و... دولت‌ها را با چالش‌های جدی روبرو کرد که ... ملزم به همکاری در سطح وسیع‌تری بودند. ابتدا کشورها به دلیل نهادهی نبودن جامعهٔ جهانی به کنگره‌ها، کنفرانس‌ها و معاهدات چندجانبه رو آوردند. با این وجود اندک‌زمانی بیشتر طول نکشید که به عدم کفایت چنین مواردی پی بردند و دولت‌ها به ایجاد سازمان‌هایی بین‌المللی با هویتی مستقل از اعضا و اهدافی مشخص رو آوردند»^۱.

امروزه افزون بر موضوعات مربوط به کشورها، موضوعات جهانی که به

۱. ابراهیم بیگزاده؛ حقوق سازمان‌های بین‌المللی؛ ص ۴۸.

کشوری خاص ارتباط ندارد نیز عامل ایجاد سازمان‌های بین‌المللی است؛ یعنی هماهنگی و تنظیم مقررات برای استفاده همگانی از سرمایه‌های عمومی مانند اقیانوس‌ها یا جلوگیری از آسیب‌های همگانی عامل تأسیس سازمان‌های بین‌المللی است. موضوعاتی مانند تروریسم، آب و هوا، استفاده از فضا و اقیانوس‌ها، مسائل زیست‌محیطی و ده‌ها موضوع دیگر از این قبیل است.

به طور کلی تأسیس سازمان‌های بین‌المللی تحت تأثیر سه نیاز و تمایل مهم بوده است: نیاز و تمایل به همکاری و همبستگی؛ نیاز و تمایل به هماهنگی رفتارها؛ نیاز و تمایل به ملاحظات عمومی جهانی. یعنی در مجموع سه عامل همکاری، هماهنگی و ملاحظات جهانی سبب ایجاد سازمان‌های بین‌المللی شده است. این سه عامل اهداف کلی و پیشینی تأسیس‌کنندگان را نیز روشن می‌کند. بر این اساس روزبه‌روز بر شمار این سازمان‌ها در عرصه‌ها و موضوعات گوناگون افزوده می‌شود. افزون بر این عوامل، برخورداری سازمان‌های بین‌المللی از قدرت جهانی، ثروت، دانش، فناوری، نیروی فنی و ابزارهایی دیگر ضرورت عضویت کشور در سازمان‌های بین‌المللی را دوچندان می‌کند؛ فارغ از آنکه امروزه لازمه سهیم‌بودن در نظم جهانی و حضور دولت‌ها به عنوان بازیگران اصلی و مؤثر در عرصه بین‌الملل، حضور مؤثر در سازمان‌های بین‌المللی است.

ضرورت عضویت کشورهای اسلامی در سازمان‌های بین‌المللی یا تأسیس سازمان‌هایی توسط آنها از یک سو و لزوم مشروعیت و انطباق رفتارهای حاکمیت اسلامی با مبانی شرعی از سوی دیگر اقتضا دارد این موضوع از نگاه دینی به‌ویژه فقهی بررسی شود؛ به بیان دیگر از آنجاکه پیوستن به برخی از این سازمان‌ها تغییراتی در تعهدات و حتی نظامات و مقررات کشور اسلامی ایجاد می‌کند که چه بسا با موازین دینی یا مقررات کشوری منافات دارد و گاه مصونیت‌ها و مزایایی

برای سازمان‌ها یا مأموران آنها در کشور ایجاد می‌کند؛ بدین سبب لازم است الحاق به سازمان‌ها و تعاملات با آنها بر اساس موازین شرعی و حقوقی صورت گیرد و از ارتباطات و تعاملاتی که در تضاد با مبانی اسلام و منافع کشور است، پرهیز شود؛ به بیان دیگر موضوع سازمان‌های بین‌المللی باید از دو جهت حقوقی و فقهی بررسی شود. از نگاه حقوقی، الحاق کشور اسلامی به سازمان‌های بین‌المللی، الزاماتی برای کشور ایجاد می‌کند و چه بسا باعث تغییرات کلی یا جزئی در نظام اجرایی، تقنینی و قضایی کشور در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، امنیتی، اقتصادی و... می‌شود؛ به همین دلیل الحاق کشور به سازمان‌های بین‌المللی و تعامل با آنها، هم به صورت کلی از نگاه حقوقی درخور بررسی است و هم به صورت موردی و جزئی؛ چه اینکه لازم است قوانین و قواعدی کلی برای الحاق و تعامل وضع شود تا کارگزاران طبق آنها عمل کنند؛ زیرا ممکن است این تغییرات در انطباق قوانین با موازین حقوقی و قوانین بالادستی و حاکم، خللی ایجاد کند؛ مانند مخالفت با اصلی از اصول قانون اساسی. از سویی در هر مورد الحاق لازم است مقررات سازمان مورد نظر و تغییرات احتمالی قوانین کشوری که با الحاق باید صورت گیرد و انواع تعاملات کشور اسلامی با سازمان، با نظر کارشناسان در شورایی مرکب از فقیهان، کارشناسان و حقوقدانان بررسی شود.

جهت دوم از نگاه فقه سیاسی است. روشن است که نگاه‌های فقهی به موضوعات و مسائل نوپیدا به دو گونه کلی است: برخی نگاه‌ها با نگرش حداقلی به فقه، بسیاری از موضوعات جدید را خارج از حیطه و شمول فقه قرار داده‌اند. در مقابل برخی با نگرش‌های حداکثری، همه یا بسیاری از این موضوعات را در دایره فقه اسلام قرار داده و فقه را ملزم به پاسخگویی و صدور حکم در این موضوعات دانسته‌اند. نگرشی که در این کتاب دنبال شده، نگرش اخیر است. امام خمینی با

این نگرش، دانش فقه را نرم‌افزار حاکمیت اسلامی دانسته، آن را به بیان حکم شرعی در همه عرصه‌ها ملزم می‌داند؛ یعنی فقه به عنوان بیانگر حکم شریعت، در همه عرصه‌های خرد و کلان جامعه در سطح داخلی یا بین‌المللی، در موضوعات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... لازم است حکم شریعت را بیان کند. البته ممکن است در مواردی صرفاً به مغایرت‌نداشتن موضوع با مبانی فقهی حکم دهد. به هر حال اگر از نظر فقهی به عنوان حکم اولیه، ثانویه یا حکم حکومتی، نتوانیم مجوزی برای ارتباطی خاص یا ارتباط با سازمانی خاص بیابیم، بی‌گمان این ارتباط ممنوع و حرام است. بر این اساس، هم نگاه کلی فقه سیاسی با توجه به مستندات، اصول و قواعد فقهی باید روشن شود و هم نظر موردی و جزئی فقه در الحاق و تعامل کشور اسلامی با سازمانی خاص مشخص شود. بر این اساس در پژوهش پیش رو نگاه کلی فقه دنبال می‌شود؛ از این رو پس از اشاره به مستندات مشروعیت این گونه ارتباطات به بیان اصول و قواعدی می‌پردازیم که می‌توان برای انطباق این تعاملات با فقه و پاسخ‌دهی به مسائل و موضوعات مربوطه به آنها استناد کرد.

این پژوهش با دو هدف کلی علمی و عملی، بر آن است تا اولاً با بررسی و تحقیق در اصول و قواعد این تعاملات به ارتقای علمی این بخش از حقوق بین‌الملل اسلامی کمک کند، چه اینکه موضوع تعاملات سازمان‌ها و کشور اسلامی، موضوعی جدید است و از نگاه فقهی، کمتر بدان پرداخته شده است؛ ثانیاً با بیان اصول و قواعد فقهی مربوطه، قانونگذاران را برای دستیابی به قانون درست و مطابق با شرع و به‌دست آوردن راه حل‌های حکم شرعی مسائل و موضوعات مرتبط با سازمان‌های بین‌المللی آشنا کرد؛ ثالثاً وظیفه عملی قوای اجرایی حاکمیت و کارگزاران دولت اسلامی را که با سازمان‌های بین‌المللی در

ارتباطند، در جهت عمل بر اساس مبانی دینی و به‌دست آوردن حکم شرعی و در نتیجه اصلاح روابط با سازمان‌ها روشن کرد.

گفتنی است مراودات دولت اسلامی با سازمان‌های بین‌المللی در دو عرصه کلی را باید از یکدیگر جدا کرد: یکی تأسیس سازمان بین‌المللی یا الحاق کشور به سازمان بین‌المللی خاص یا تعلیق و خروج از آن و دیگری حدود تعاملات کشور با سازمان و دامنه اختیارات و وظایف سازمان و کشور. بر این اساس لازم است حاکمان و تصمیم‌گیران کشور به آثار و پیامدهای مثبت یا منفی ارتباط کشور با سازمان در هر دو عرصه به کمک دو گروه از کارشناسان فنی و فقهی آگاهی یابند و در عمل به نظر کارشناسی این دو گروه ملتزم باشند.

در بررسی حکم شرعی این موضوعات و منافات‌نداشتن آنها با شرع اسلام باید به مستندات فقهی که گویای احکام رفتار مکلفان و حدود اختیارات و مقررات حکومت است، مراجعه کرد. علوم دیگری مانند اخلاق نیز در نگاه کامل دینی نقش دارند؛ ولی حکم فقهی حجیت‌دهنده و مشروعیت‌آور است. در کشف حکم فقهی، یکی از دو راه را می‌توان پیمود: اول، استنباط مجتهدان، به این معنا که یک‌یک موضوعات و مسائل مربوط به سازمان‌ها از سوی مجتهدان به منابع فقه عرضه و حکم آنها استنباط شود. دوم، تطبیق مورد بر قاعده‌ای فقهی، یعنی با انطباق هر مورد بر قاعده‌ای فقهی می‌توان حکم آن را به دست آورد. فقها قواعد فقهی را با مستندات فقهی اثبات کرده و آنها را در اختیار افراد قرار داده‌اند. از این رو کارگزار دولت اسلامی می‌تواند با تطبیق هر موضوع سیاسی بر یک قاعده، حکم شرعی آن را به دست آورد. این روش آسان‌تر، سریع‌تر و برای این گونه موضوعات، سهل‌الوصول‌تر و منطقی‌تر از روش استنباط جزئی است.

در این نوشته برای فهم درست و آشنایی با حدود و ثغور موضوع سازمان‌ها که

مقدمه کشف و استنباط حکم فقهی است، نخست به کلیاتی در مورد ساختار، کارکردها، اختیارات سازمان‌های بین‌المللی و کم و کیف ارتباط کشورها با آنها پرداخته و سپس برای آشنایی با حکم شرعی الحاق، خروج و تعاملات کشور اسلامی با سازمان‌های بین‌المللی، با رویکرد فقه سیاسی به بررسی اصول و قواعد کلی روابط با سازمان‌ها پرداخته‌ایم. همه این موارد با نگاه فقه سیاسی و رویکرد حداکثری آن و با هدف کارآمدی حکومت اسلامی دنبال شده است. انتخاب راهیابی به حکم شرعی از دریچه اصول و قواعد فقه سیاسی به این سبب است که در موضوعات بین‌المللی، سرعت در تصمیم‌گیری - آن هم از سوی شخص کارگزار - بسیار کارساز است و استفاده از قواعد فقهی بهترین روش برای این منظور به شمار می‌رود.

فصل اول

مفاهیم و کلیات

در بحث از سازمان‌های بین‌المللی از نگاه فقه، نخست لازم است مفاهیمی که در نوشته مورد توجه قرار می‌گیرد، توضیح داده شود. افزون بر این برخی کلیات و مبانی بحث که چه بسا پیش‌فرض موضوعات مطرح است نیز باید روشن شود تا خواننده با توجه به مفاهیم، واژه‌های اصلی و مبانی بحث، ارتباط بهتری با متن و ذهنیت نویسنده بیابد. بحث از ماهیت، اهداف، طبقه‌بندی و کارکردهای سازمان‌های بین‌المللی نیز از مباحث حقوقی است که در این فصل دنبال می‌شود.

مفاهیم

مهم‌ترین مفاهیمی که لازم است پیش از آغاز مباحث توضیح داده شود، عبارت‌اند از: سازمان‌های بین‌المللی؛ حقوق سازمان‌ها؛ فقه سیاسی و قواعد فقهی.

۱. سازمان‌های بین‌المللی

پیش از تعریف عبارت «سازمان‌های بین‌المللی» به عنوان نخستین مفهومی که لازم است آن را تعریف کنیم، به تعریف واژه «سازمان» می‌پردازیم. سازمان